

بگو بنده ای خطاکارم، اما پروردگاری رؤوف و رحیم دارم

ای تو به کننده، تو امروز فطرت پاکی هستی مثل روزی که مادرت تو را به دنیا آورد. اگر بخواهی ارتقایابی هیچ یک از درهای بهشت بر روی تو بسته نیست.

آیا می خواهی از مقربین باشی؟ بله، بفرما، در ب به روی تو باز است. کسی که آن را گشوده رؤوف و رحیم است. خدا از تو می خواهد که او را بشنوی، ندای شیطان را رها کن. با گفتن اینکه «تو کی هستی؟! که باشی؟! که از مقربین شوی» فریبت ندهد.

با گفتن اینکه «تو کی هستی؟! که باشی؟! که به علّیین و اعلی درجات ارتقایابی» فریبت ندهد.

و اگر ناگزیر شدی به او توجه کنی، پس به او بگو: من بنده ای فقیر و گنهگار و مقصر و خطاکارم، ولی پروردگارم رؤوف و رحیم و کریم است و با عطا و بخشش آغازین و پیش دستانه در ب هارا برایم گشوده است. **سید احمد الحسن، گزیده ای از خطبه مؤحده، سال ۲۰۰۸.**

«تجلی اسم اعظم» (علی بن ابی طالب علیه السلام)

به مناسبت شهادت امیر المؤمنین علیه السلام

حقیقت شب قدر

محبوبه خدا فاطمه علیها السلام

همه چیز را تقدیر می کند

فلسفه روزه گرفتن

سجده ای برای نفس

درنگی کوتاه در معنای حقیقی سجده گزاری

عبادت بی حاصل



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیام آخرت

فهرست

- ۳..... تجلی اسم اعظم «علی بن ابی طالب (علیه السلام)»
- ۵..... حقیقت شب قدر
- ۱۲..... سجده‌ای برای نفس
- ۱۵..... عبادت بی حاصل
- ۱۷..... فلسفه روزه گرفتن



هفته نامه زمان ظهور

فراخوان ماه مبارک رمضان، یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳،
۲۰ رمضان ۱۴۴۵، ۳۱ مارس ۲۰۲۴
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:

WWW.VARESin.ORG

WWW.ALMAHDYOON.CO



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على محمد وآله الطاهرين

تجلی اسم اعظم «علی بن ابی طالب علیهما السلام»

به مناسبت شهادت امیرالمؤمنین علیهما السلام

سلام بر علی بن ابی طالب روزی که به دنیا آمد و روزی که شهید شد و روزی که زنده برانگیخته می شود.

از علی علیهما السلام چه می توان گفت؟

او که رکنی است از ارکان هدایت که با شهادتش ملک اعظم جبرائیل علیهما السلام بانگ برداشت: «تهدمت واللّه ارکان الهدی» «به خدا سوگند، ارکان هدایت ویران شد.» [۱]

او که از حروف مقطعه در قرآن است -حرف لام- [۲] و تجلی اسم اعظم -تجلی اسم رحمان- [۳]

او که کعبه از برایش خلق شد تا هر که سجده گزار بیت الله الحرام است چه از روی میل و رغبت و چه از روی اکراه، به سوی او رو کند. [۴]

او که ماه محمد ﷺ است (وصی اوست). او که فاتح خیبر است، او که فاطمه علیها السلام از برایش خلق شد تا پیمان مجمع البحرین در این عالم جسمانی با وجود این دو تن شکل بگیرد و دریای نور و معادن عظمت از دامانشان به جهانیان عرضه شوند.

مگر قلم یارای نوشتن از علی علیهما السلام و وصف او را دارد؟



او که ماه محمد ﷺ است
او که فاتح خیبر است
او که فاطمه علیها السلام از برایش خلق شد تا پیمان مجمع البحرین در این عالم جسمانی با وجود این دو تن شکل بگیرد و دریای نور و معادن عظمت از دامانشان به جهانیان عرضه شوند.

علی بن ابی طالب

هر آنچه می نگارد خط خطی کردنی بیش نیست.

مگر می توان علی (ع) را شناخت؟

او که ممسوس به ذات الله است، [۵] او که نامش در کنار نام محمد مصطفی (ص) در روز فتح قائم (ع) در اعلاي کلمة الله برافراشته خواهد شد «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» [۶].

او که دروازه شهر علم - محمد (ص) - است که فیض از او بر خلق نازل می شود و درب رحمت خدا بر خلائق است. [۷]

او که گاهی در «ن» رخ می نماید و گاهی در «باء». [۸] او که اگر نبود خداوند محمد (ص) را خلق نمی کرد؛ [۹] «چرا که اگر علی نبود محمد (ص) شناخته نمی شد؛ زیرا او بانی است که از آن به او در آیند، و از آن یعنی باب یا علی- فیض محمدی در آسمان ها و زمین تجلی می یابد.» [۱۰]

او که (... اسم ربك الاعلی) است؛ چرا که علی (ع) اسم اعلی و اعظم است. [۱۱]

او حقی است که بر زمین سیر می کند و نظاره گر محمد (ص) است در منتهای مقامش (که هیچ کس جز او در این مرتبه قرار نگرفت). [۱۲]

او که در ۲۱ ماه رمضان، شاهد و شهید به سمت ریش شتافت و آخرین سخنش این بود: «فزت و رب الكعبه» «به خدای کعبه رستگار شدم» سید احمدالحسن می گوید: «و این فوز و رستگاری فقط رستگاری برای رضای خداوند سبحان و متعال و بهشت نبود؛ بلکه فوز و رستگاری و نجات یافتن با خالص شدن از آن قومی بود که ادعای شیعه بودن داشتند و در عین حال در نتیجه اختلاف و پراکندگی نظراتشان و عدم اتحادشان بر کلام امامشان، غم و غصه های بسیاری به او نوشاندند.» [۱۳]

«خدایا مرا بر طریقی که علی بن ابی طالب را بر آن حیات بخشیدی زنده بدار و بر راهی که علی بن ابی طالب بر آن وفات یافت، بمیران.» [۱۴]

منابع:

- ۱- ر.ک: سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۹.
- ۲- سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۱۱.
- ۳- سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۳، سؤال ۷۸.
- ۴- همان.

- ۵- رسول الله (ص) فرمود: «به علی دشنام ندهید که او سرگشته ذات الهی است». غدیر، شیخ امینی، ج ۱۰، ص ۲۱۳.
- ۶- سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۵.
- ۷- همان.

- ۸- سید احمدالحسن: «قلم، جوهر را از «ن» می گیرد و آن را به کتاب منتقل می کند و در آن می نویسد. قلم را احوالی است؛ ساعتی نون است و ساعتی باء. ساعتی نقطه نون است و ساعتی نقطه باء. امیرالمؤمنین (ع) نیز همین گونه است؛ ایشان باب رسول الله (ص) و باب شهر علم است و از او بر خلق افاضه می شود، پس او باء و نقطه باء است و قلم و جوهری است که قلم (آن جوهر را) با خود حمل می کند. برای نقطه (نیز) احوالی وجود دارد؛ نقطه، فیض نازل شده از خداوند بر پیامبر (ص) و از پیامبر (ص) بر علی (ع) و از علی (ع) بر خلق است. نقطه نازل شده از سوی خدا بر پیامبرش قرآن است، و پیامبر (ص) همان «ن» و نیز نقطه نون است. سپس پیامبر (ص) نسبت به علی (ع) مانند باء و نقطه باء است و علی نسبت به پیامبر (ص) مانند «ن» و نقطه نون است و علی نسبت به خلق، مانند باء و نقطه باء است.» (متشابهات، ج ۱، سؤال ۶).
- ۹- «يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكُ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» (ای احمد! اگر تو نبودی آسمان ها را خلق نمی کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی کردم).
- ۱۰- سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۸.
- ۱۱- سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۳۷.
- ۱۲- حضرت محمد (ص) می فرماید: «ای علی مرا کسی شناخت جز خدا و تو.» (مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۲۵)؛ ر.ک: سید احمدالحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۵۵.
- ۱۳- سید احمدالحسن، جهاد درب بهشت است، مبحث وحدت، ص ۴۷.
- ۱۴- سید احمدالحسن، صفحه فیس بوک، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱ م.



حقیقت شب قدر

محبوبه خدا فاطمه علیها السلام همه چیز را تقدیر می کند

به قلم: سارا ستوده

فاطمه علیها السلام یا درب باطن رحمت خداوند، او کسی است که شیعیانش را از آتش نجات می دهد و این نجات دادن هر ساله در شب قدر اتفاق می افتد. مگر نه این است که این دنیا با تمام جزئیاتش نشئه ای از ملکوت است، روده های زمین همان علم آل محمد در ملکوت اند؛ شب قدر هم رخداد ملکوتی صحنه قیامت کبری است و نجات شیعیان توسط خانم فاطمه زهرا علیها السلام است و نجات یافتگان در لیست شب قدر همان روسفیدان صحنه قیامت اند که توسط دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از روی زمین به مانند دانه ای برچیده می شوند. اگر می خواهی جزو نجات یافتگان باشی بسم الله. هر چقدر عشق و یاری تو نسبت به حجت خدا، سر مستودع فاطمه علیها السلام بیشتر باشد، بهره ات از قدر یا قیامت بیشتر خواهد بود. شب قدر یک مانور است برای قیامت، آیا برای مانور آماده ای؟!

به قلم: سارا ستوده





امر حکیم [۱] (ما قرآن را در شبی فرخنده نازل کردیم زیرا که هشدار دهنده بودیم* پس در آن شب هرکاری محکم و استوار می شود).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ» [۲] «هر که فاطمه را آن گونه که سزاوار است بشناسد، بی تردید شب قدر را درک کرده است.»

همه شنیده ایم که شب قدر از هزار ماه برتر است و اهل بیت علیهم السلام فرمودند «حقیقت شب قدر مادر ما زهرا علیها السلام است.»

برای یافتن پاسخ سؤالاتی که پیش تر مطرح شد بایستی همه ابعاد ظاهری و معرفتی روزه و ماه رمضان و شب قدر را بررسی کنیم تا به حقیقت نائل شویم ان شاء الله. از آنجا که هدف یکی است و حقیقت یکی، پس همه عوامل و راهها همگی مانند زنجیر به هم متصلی رسالتی یکسان به عهده دارند و آن هم رساندن خلق به خالق است، رساندن معرفت گونه و ملکوتی.

شب قدر شب پرواز است، شب عروج، شبی پر از گفته ها و ناگفته ها، شب یکی شدن، شب رحمت و مغفرت، شب معرفت، شب صیقلی شدن، پاک شدن و متصل شدن. همان طور که ستارگان نورانی در شب تاریک آسمان دنیا می درخشند شب قدر نیز، ستاره سهیلی است که در تمام سیصد و اندی روز سال، تنها یک شب می درخشد تا درخشش و عظمتش فضای کون و مکان را معطر و نورانی کند تا بشود آنچه خدا می خواهد.

رمضان ماه مهمانی خداست، ماهی که میزبان خداست و مهمان بندگان، گرچه همیشه سر سفره بی انتها و پروزی خدا نشسته ایم و از لطف بی دریغش ارتزاق کرده ایم. لطفی که یکی را ده تا و ده تا را صد تا محاسبه می کند، اما خدای لطیف در ماه رمضان لطفش لطیف تر از باقی اوقات است و در شب قدر لطف مطلق است؛ چرا که با هیچ ماشین حساب و چرتکه ای نمی توان این حجم از لطف را محاسبه کرد. دلیل اعطای بی حد و اندازه آن لطیف در شب قدر چیست؟

سید احمد الحسن در کتاب «تفسیر سورة فاتحه» می نویسد:

«اسم «رحمن» اسمی خاص برای او سبحانه و متعال است؛ از جهت دلالت کردن این اسم بوسعیت و شمول و دربرگیرندگی مطلق بر تمام موجودات. اما اسم رحیم، اسمی است که غیر خودش را دربرمی گیرد؛ چرا که بر قوت

خداوند سبحان گنجی بود ناشناخته و گوهری بود دست نیافتنی، انسان را آفرید تا شناخته شود، تا به او نزدیک شود، شبیه او شود، محبوب او شود و به مقام «قاب قوسین او ادنی» برسد، تا همه حجاب های نورانی و ظلمانی را کنار بزند و به مقام معرفت و شناخت «هو» برسد، تا بنده شود و بیاید خدا را تا خدای در خلق شود و انعکاس نور و صفات خدای رحمان شود. تنها هدفش همین بود، قرار هم همین بود: بندگی و سرسپردگی اش تا همه بنده شوند، خلیفه شوند، عاشق شوند، محبوب شوند، اما نشد... از میان تمامی مخلوقات خوبانی برگزیده شدند، چراغ های همیشه فروزانی در بین سرشکستگان منتخب شدند تا انتخاب شویم، مانند شمع سوختند تا نسوزیم، روشنی بخشیدند که سیاهی و تاریکی های دنیا و درونمان جای خود را به نور و سپیدی دهد.

برای این مهم خداوند ستار به لطف خویش با راه های بسیاری برای کمک به نوع انسان، فیض بخشی کرده و می کند تا تک تک انسان نماها به حقیقت انسان شوند، بنده شوند، آینه شوند و به هدف از آفرینش خود که همان معرفت خدای سبحان است نائل شوند.

راه های فیض بخشی خداوند متان در مسیر سیر و سلوک الی الله بسیارند، اما شاید بتوان شاه راه را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. چراغدان های همیشه فروزان یا همان حجج الهی؛
۲. کتب آسمانی؛
۳. روح ایمان و روح القدس؛
۴. فرشتگان موکل و همراه؛
۵. نفس لواحه یا وجدان؛
۶. شب قدر.

همه ما کم و بیش با این الطاف الهی در مسیر سرسپردگی آشنا ایم. در این مقاله سعی داریم به راه ششم یا همان شب قدر بپردازیم و از خلل آیات و روایات به فحوای کلام اهل بیت علیهم السلام برسیم که: شب قدر چیست؟ حقیقت آن چیست؟ ارتباط آن با خانم فاطمه زهرا علیها السلام چگونه است؟ و چطور شب قدر می تواند راه رسیدن به معرفت باشد؟ آن هم یک راه میان بُرو سریع؟

حقیقت شب قدر

قرآن کریم درباره فضیلت این شب می فرماید: **(اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ إِنَّكُنَا مِنْدَرِينَ* فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ**

برتر و بالاتر است. شبی که ملائکه و روح در آن شب نزول کرده، بر حجت خدا وارد می‌شوند و همه مقدرات را برای هر شخص در صحیفه تقدیر زندگی‌اش ثبت می‌کنند، همه بایدها و نبایدها را؛ بودن و نبودن‌ها را؛ همه آمدوشدها را؛ پس رحمت خدا بندگان را در هاله‌ای از نور قرار می‌دهد تا در این شب یگانه دردانه شوند، خاص و مخلص شوند، تا راهی را که در یک سال نپیمودند در یک ماه و دقیق‌تر بگویم در یک شب طی طریق کنند، تا نامشان در جرگه مؤمنان به حجت خدا نوشته شود - مؤمنان عامل مخلص عارف - تا اگر مانند مانند خدا و حجت‌هایش نورافشانی کنند و آینه تمام‌نمای حجت خدا در خلق او باشند و اگر قسمتشان سفر به دیار باقی است، عاقبت به‌خیر شوند و در جوار رحمت الهی آسوده‌خاطر بیارمند!

حال به چرایی حقیقت شب قدر بپردازیم. چگونه محبوبه خدا فاطمه علیها السلام حقیقت شب قدر می‌شود؟

شب قدر یعنی فاطمه زهرا علیها السلام، رحمت خدا یعنی فاطمه زهرا علیها السلام، حجت خدا بر حجت‌هایش کسی نیست جز فاطمه زهرا علیها السلام؛ پس غنیمت شمیریم این شب را چرا که ممکن است شب قدر دیگری را درک نکنیم.

«أم یا مادر» در لغت به معنای منبع و سرچشمه و اصل هر چیز است. [۶] معنای لغوی فاطمه به معنای رانده‌شده از آتش است؛ یعنی کسی که از بدی‌ها و ناپسندی‌ها جدا شده [۷] و در اصطلاح و روایات یعنی آن که خود و شیعیانش از آتش بازداشته (و در امان نگاه داشته) شده‌اند. [۸]

قدر و ارتباط آن با بنت رسول الله صلی الله علیه و آله است، اما این شناخت و معرفت ماهیتی اکتسابی ندارد تا آن را به دست آوری، نه خواندنی است تا در کتابی بخوانی و نه شنیدنی است تا از زبانی بشنوی؛ بلکه گنجینه‌ای است که خداوند در قلب هر آن کس که لایق شود قرار می‌دهد.

پس اراده خدا بر این قرار گرفته که از هر سال تنها یک شب را برگزیده، آن را با رحمتش تزیین کند و با مغفرتش معطر سازد و با بخشایشش گل آرای کرده و با حضور ملائکه و روح، آن شب را نورافشانی کند تا شاهد استقبال بی‌نظیر بندگان در این مهمانی باشد، مهمانی سراسر لطف و بخشش به‌مانند حضور در یک معامله بزرگوار اگر بنده در آن حاضر شود، احیا بگیرد، استغفار کند، نماز بخواند و دعا کند، حداقل بهره‌اش از حداکثر بهره سالیانه‌اش بیشتر است؛ زیرا خداوند وعده پاک شدن از گناهان را داده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که از روی ایمان و برای رسیدن به ثواب الهی، شب قدر را به عبادت بگذراند گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود». [۴] و نیز وعده‌رهایی از عذاب، ایشان صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر کس شب قدر را احیا بدارد تا سال آینده عذاب از او برداشته می‌شود». [۵]

این شب عظیم، شب توبه و انابه است.

پس شب قدر شب جبران گذشته است، شب بخشش و مغفرت و پاک شدن تا خداوند بیخشد همه آن گناهانی را که مانع استجاب دعا می‌شوند، گناهانی که بلا را نازل می‌کنند، گناهانی که امید را ناامید می‌کنند، گناهانی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد. شبی که از هزار ماه

و شدت رحمت دلالت می‌کند [.....] و می‌توان گفت خصوصی بودن رحمان و عمومی بودن رحیم به سبب کاربرد و استعمال آنها نیز هست» [۳] لذا در شب قدر شدت رحمت خدا را داریم به یمن وجود با برکت خانم فاطمه زهرا علیها السلام.

اگر انسان همه شب و روز سال را در یک کفه ترازو و شب قدر را در کفه دیگر قرار دهد، تنها کاری که از او بر می‌آید انگشت تعجب بر دهان گذاشتن است. دلیل این ثقل و سنگینی به ظاهر متناقض چیست؟ کسی نمی‌تواند منکر ارزش و منزلت شب قدر شود، اما دلیل و چرایی این عظمت، انسان را تنها نمی‌گذارد و سؤالات بی‌پاسخ در اعماق وجود انسان حس غریبی ایجاد می‌کند. سؤالات عظیمی که پاسخ عظیم دارد و غیر از شخصی عظیم نمی‌تواند با پاسخش ذهن کنج‌کاو انسان را اقناع کرده و به آرامش برساند.

نعمات و برکات ویژه خداوند نسبت به بندگان در شب قدر سرازیر می‌شود، نعماتی رسالت‌گونه که برای رساندن آنها به جایگاهشان است؛ جایگاهی که استحقاقش را دارند همان آسمان هفتم، آسمان عقل. پس خداوند با رحمت خاصش در یک شب خاص با بندگان آن هم با شدت روبه‌رو می‌شود تا حجتش را بر آنان تمام کند.

اهل بیت علیهم السلام فرمودند «حقیقت شب قدر مادر ما زهرا علیها السلام است» و می‌دانیم فاطمه علیها السلام جلوه رحمت خاص خداست، پس شب قدر نیز شب رحمت خاص خداست. دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله حقیقت شب قدر است؛ لذا هر کس فاطمه علیها السلام را بشناسد، شب قدر را شناخته است. با اینکه در این مقاله سعی ما بر شناخت هرچه بیشتر و کامل‌تر شب

فلسفه روزه

«الف: یعنی فاطمه زهرا علیها السلام، «الف» اصل و پایه حروف و نخستین آنها و اولین چیزی است که بعد از نقطه به وجود آمده است، و سایر حروف نیز از آن ترکیب می یابند؛ و این حرف فاطمه زهراست که پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از خدای سبحان درباره او فرموده است: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما» «ای احمد! اگر تو نبودی، آسمان ها را خلق نمی کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی کردم.» بنابراین در این مقام، حرف زهرا علیها السلام یعنی «ا» بر حرف علی یعنی «ل» و بر حرف محمد صلی الله علیه و آله یعنی «م» برای بیان «لولا فاطمه لما خلقتکما» «اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی کردم» پیشی گرفته است [...] همچنین باطن آن «ا» رحمت برای مؤمنان و ظاهرش «ل» نقت و عذاب برای کسانی است که به قائم کفر ورزیده اند.» [۱۸]

لذا در اینجا فاطمه زهرا علیها السلام هم هدایت است برای ستمگران، کسانی که به خودشان ظلم کردند و با ایمان نداشتن به حجت خدا هر لحظه خود را به هاویه نزدیک و نزدیک تر می کنند و هم رحمتی برای مؤمنان تا از هم سبقت بگیرند و جان فدا شوند و سلمانی شوند که نه راست بروند و نه چپ، فقط و فقط به مولای خود سید احمد الحسن اقتدا کنند و جای پای خود را بر جای قدوم ایشان بگذارند، باشد که رستگار شوند.

سید احمد الحسن در پاسخ به پرسش: معنای این حدیث چیست؟ «فاطمه علیها السلام همان شب قدر است.» می نویسد:

«[....] حضرت فاطمه علیها السلام باطن و درون دروازه شهر است و بیرون آن

روزه خود نوری است برای وارد شدن در نوری دیگر. روزه واجب شد تا از قبل نورانیت و تأثیر فراوانش، انسان مهبای شب قدر شود. نه تنها روزه ماه رمضان، بلکه روزه ماه های رجب و شعبان نیز بهانه ای است برای پاکی هرچه بیشتر نفس و درخشندگی هرچه تمام تر دل، تا پاک وارد ماه مبارک و بابرکت رمضان شویم و بار روزهداری ماه رمضان، پاکی بر پاکی دیگری و نوری بر فراز نور دیگری قرار گیرد تا زنگارها زایل شود، تکبر و غرور از بین برود، روح انسان بزرگ شود، دل صیقلی گردد و همه اعضا و جوارح ناب شود و جان شود برای دیدار و حضور حجت الحجج، جان جانان، محبوبه و معشوقه خدا فاطمه زهرا علیها السلام.

در بسیاری از روایات به اهمیت روزهداری، آن هم روزه همه اعضا و جوارح و نه فقط شکم اشاره شده است. در باب اهمیت روزه حقیقی احادیث بسیارند، به جهت اختصار تنها به دو روایت بسنده می کنم. امام علی علیه السلام فرمود: «چه بسا روزهداری که از روزه اش جز گرسنگی و تشنگی بهره ای ندارد و چه بسا شب زنده داری که از نمازش جز بی خوابی و سختی سودی نمی برد.» [۱۶]

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «روزهداری که زبان و گوش و چشم و جوارح خود را حفظ نکرده، روزه اش به چه کارش خواهد آمد.» [۱۷]

برای شناخت حقیقت شب قدر پای سخنان سر مستودع فاطمه زهرا علیها السلام می نشینیم و سراپا گوش می شویم تا بفهمیم و درک کنیم همه آنچه نمی دانیم. سید احمد الحسن در پاسخ سؤالی مربوط به «حروف مقطعه» می گوید:

از اباعبدالله [امام صادق علیه السلام] روایت شده است که فرمود: «... و او فقط به این دلیل فاطمه نامیده شده است که خلق، شناخت و معرفتش را ترک گفته اند.» [۹]

ریشه کلمه حقیقت، «حق» و به معنای راستی و درستی است. حقیقت، اشاره به ماهیت راست و درست دارد. وجود مسلم چیزی که واقعاً رخ داده است، حقیقت درباره واقعیت است. [۱۰]

قدر در لغت به معنای تقدیر کردن، ارزیابی و تخمین زدن است [۱۱] و در اصطلاح به معنای شب سرنوشت است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «آغاز سال (حساب اعمال) شب قدر است. در آن شب برنامه سال آینده نوشته می شود.» [۱۲]

درباره قدر و منزلت ماه رمضان و شب قدر احادیث زیادی وارد شده که گلچینی از آنها را قرار می دهیم.

فضیلت شب قدر در روایات

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟ حضرت فرمود: کار نیک در آن ماه از هزار کار نیک که در آن شب قدر نباشد بهتر است.» [۱۳]

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر بنده خدا می دانست که در ماه رمضان چیست [چه برکتی وجود دارد] دوست می داشت که تمام سال، رمضان باشد.» [۱۴]

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «درب های آسمان در اولین شب ماه رمضان گشوده می شود و تا آخرین شب آن بسته نخواهد شد.» [۱۵]

میلیاردها انسان انتخاب شویم برای یاری خدا، دین خدا و حجت خدا؛ کسی که ظرف همه حقایق قرآن باشد، مصداق حقیقت شب قدر است، حقیقت شب قدر خانم فاطمه زهرا علیها السلام و الف انعکاس حقیقت و تجلی رحمت خدا و درب باطن است که بر درب ظاهر مقدم می شود چراکه تجلی آخرت است، پس فاطمه زهرا علیها السلام تجلی آخرت و حجت خداست که شب قدر در میان ماست.

فاطمه زهرا علیها السلام و شب قدر

دَرْ یگانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام که محور اهل بیت و مادر امامان و مهدیین علیهم السلام است، مصداق حقیقی شب قدر است که برخی سخنان وی شاهد بر این مدعا است. حضرت فاطمه علیها السلام در یکی از دعاهایش می فرماید: «الحمد لله الذی لم یجعلنی جاحدة لشیء من کتابه و لا متحيرة فی شیء من أمره» [۲۰] «حمد مخصوص خدایی است که مرا انکارکننده چیزی از کتابش و سرگردان در چیزی از امورش قرار نداده است». به عبارت دیگر مرا بر همه اسرار و حقایق قرآن آگاه کرده است و این، بیانگر آن است که وجود شریف حضرت فاطمه علیها السلام ظرف حقایق قرآن عظیم و «شب قدر» است.

از امام صادق علیه السلام در آنچه در شب قدر پراکنده می شود پرسیده شد که آیا همان است که خداوند سبحان و متعال در آن تقدیر می کند؟ فرمود: «قدرت خداوند سبحان به وصف درنیاید؛ زیرا او هر آنچه بخواهد ایجاد می کند. اما این سخن او (خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) (بهتر از هزار ماه است) یعنی فاطمه؛ و این سخن حق تعالی (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا) (در آن فرشتگان و روح فرود می آیند) ملائکه در اینجا مؤمنانی هستند که علم آل محمد را در اختیار دارند، و روح، روح القدس یعنی همان فاطمه است. (بِكُلِّ أَمْرِ سَلَامٍ) (برای انجام دادن همه کارها، سلامی) می فرماید: هر امری را در سلامت قرار داده تا طلوع فجر؛ یعنی تا هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند» [۲۱] و این، جلوه بالاترین مقام روح و مصداق آن است که همان مقام زهراست که سلام و صلوات خدا بر او باد پس از مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و مقام علی علیه السلام که هم مقام ایشان علیهم السلام است؛ پس علی علیه السلام گفو و هم تراز زهراست. درود خداوند بر همگی شان!

لطف بی حد برای کوتاهی زمان است. عطای بی حد و حصر شب قدر، همه حسنات را هزار برابر می کند؛ چراکه خداوند می خواهد بیشترین تأثیر را در کوتاه ترین زمان ممکن برای مخلوقاتش جلوه گر کند.

رحمت و لطف بی کران اوست تا سریع ترین بهره و

حضرت علی علیه السلام و شهر، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ در مقابل اسم های سه گانه: الرحیم، الرحمن و الله. آنها که سلام و صلوات خداوند بر آنها باد ارکان سه گانه هدایت و تجلی ارکان سه گانه اسم اعظم اند: الله، الرحمن و الرحیم. و علم جملگی در شهر است؛ پس هرگاه فرود آمدن آن خواسته شود باید از باب و دروازه صورت گیرد، و در ابتدا از باطن دروازه و سپس از ظاهر آن به سمت خلق نازل شود. بطن دروازه حضرت فاطمه است که صلوات خدا بر او باد، پس نازل شدن در اوست و آن حضرت، ظرف علم باطن است و علم و آنچه در شهر است (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا قرآن) در او نازل شده است، همان طور که پیش تر در متشابهات بیان نموده ام، به آن مراجعه نمایید.

قرآن، در شب قدر نازل می شود و قرآن در فاطمه علیها السلام نازل می شود و شب قدر همان فاطمه علیها السلام است و همان طور که معصومین علیهم السلام فرموده اند «ما حجت های خداییم و فاطمه علیها السلام حجت خدا بر ماست» و همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «فاطمه، مادر پدرش است» و مادر، ظرف است و فاطمه (یا باطن دروازه) همان ظرفی است که قرآن در آن نازل می شود و قرآن، محمد صلی الله علیه و آله است.

و این معنای دوم باطن برای این حدیث است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی از قول خداوند می فرماید: «لولاک لما خلقت الافلاک و لو لا علی لما خلقتک و لو لا فاطمه لما خلقتکما» «اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم و اگر علی نبود، تو را و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را خلق نمی کردم».

فاطمه علیها السلام همان ظرف نزول قرآن است و آن حضرت، باطن دروازه شهری است که از آن بر خلق افاضه می شود. بنابراین وجود آن حضرت ضروری است و با نبودن ایشان نظام آفرینش راست نمی گردد؛ چراکه او یکی از ارکان سه گانه است پس او ظرف نزول قرآن است» [۱۹]

طبق تفسیر سید احمد الحسن، فاطمه علیها السلام ظرف نزول قرآن است و دروازه شهری است که از آن شهر، رحمت بر خلق افاضه می شود؛ یعنی هر لطف و عنایت و استجاب دعايي که بخواهد به بندگان برسد باید از تأیید فاطمه زهرا علیها السلام عبور کند

و خداوند مَثان رجب، شعبان، روزه، دعا و همه عبادات خاصه این ماه های پر خیر و برکت را قرار داده تا از برکات و فیوضات این روزهای عزیز و شب های گران قدر برای با تقوا شدن و پاک شدن بهره ببریم. برای به یقین رسیدن، لایق فیض شدن، دردانه شدن و یگانه شدن تا از میان

آیا همگی در شب قدر هدایت می شوند؟

سید احمدالحسن می گوید: «آیا چون آن حضرت نور و حق و یقین و تقواست، برای همگان مایه هدایت است؟ و آیا چون او پرچم برافراشته برای همگان است، همه را از مؤمن و فاسق و منافق... هدایت می کند؟ طبیعتاً خیر؛ چراکه لازمه هدایت به سوی حق، دو موضوع است: اول: برافراشتن پرچم هدایت و نور است که از آن درخواست روشنایی می شود و این هدایتگر هادی، پیامبر یا امام است.

دوم: اینکه فطرت انسان پاک باشد تا با این نور هدایت شود و از آن روشنایی بگیرد. کسانی که فطرت خود را که خداوند آن ها را بر این فطرت آفریده است آلوده کرده اند چطور هدایت شوند؟! این عده حتی اگر به این نور ملحق شوند و به آن نزدیک گردند، این نزدیکی سودی به حالشان ندارد، چراکه بصیرتی ندارند و فرجامشان دوری است. پس براین اساس کتاب یا رسول یا امام، هدایتگری برای صاحبان یقین است؛ چراکه تقوا از ملزومات یقین است.» [۲۲]

دو راهکار مهم رسیدن به تقوا و یقین و بهره مندی و درک شب قدر

خداوند در قرآن می فرماید: **(... استعینوا بالصبر و الصلوة...)** (بقره، ۴۵) **(... از صبر و نماز کمک بگیرید...)**. در روایات صبر همان روزه معرفی شده: یعنی از روزه و نماز کمک بگیرید. «عن عبدالله بن طلحة عن ابی عبدالله [فی قوله تعالى] **(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)** قال: الصبر هو الصوم.» [۲۳] **(استعینوا بالصبر و الصلوة منظور از صبر روزه است.)**

ماهیت روزه را از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حقیقت نماز را از فاطمه زهرا (علیها السلام) می پرسیم: امام علی (علیه السلام): «خداوند روزه را واجب کرد تا به وسیله آن اخلاص خلق را بیازماید.» [۲۴]

حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه فدکیه می فرمایند: «خداوند متعال نماز را برای پاک کردن شما از تکبر واجب کرد؛ آیه شریف ما را امر کرد به نماز و روزه؛ یعنی به دست آوردن اخلاص و دوری از تکبر که اگر نیکو بنگریم درمی یابیم داشتن اخلاص و دوری از تکبر به شناخت و یاری خلیفه می انجامد و خلاف آن، تکبر و نداشتن اخلاص سبب تکذیب خلیفه و یاری نکردن او می شود. این دو هم

روشن ترین آثار خیلی زود هویدا شود و از روشنی آن، حجتی را که نشناخته اند بشناسند، یا اینکه معرفت و یقین بیشتری نسبت به حجتی که شناختند پیدا کنند؛ مانند سلمان. آنچه مهم است این است که همه ما به دلیل نگاه به نفس خود و تعلق خاطر به دنیای سیاه اطرافمان از خلیفه شدن بازماندیم و ظلمت آمیخته با نور شدیم، خداوند سبحان می خواهد با ایمان به خلیفه اش و تقویت ایمان به حجتش نور آمیخته به ظلمت شویم و تا می توانیم بهره خود را از شب قدر بیشتر کنیم تا این ظلمت یا همان منیت و هوای نفس به کمترین حد خود برسد. خواست خداست که خلیفه خدا در زمین شویم تا قابل شده، مراحل ده گانه ایمان را ببیماییم و به ملکوت خدا و آسمان کلی عقل دست پیدا کنیم. برای همین است که همه فرشتگان و روح برای تعظیم و اکرام حجت خدا فرود می آیند تا از نورشان نوری بگیریم و نور شویم، خود آتش شویم که اگر نشویم معنای حقیقی آن را درک نخواهیم کرد.

آیا حکمت شب قدر و نزول مقدرات برای بهتر شدن زندگی دنیایی است؟

مطلب مهم دیگر اینکه در احادیث آمده همه ریز و درشت یک سال زندگی انسان مقدر می شود، اما خدایی که زمین را از زمانی که خلق کرده به آن نظری نیفکنده، چطور این همه تشریفات و عظمت را فقط برای رقم زدن یک سال دنیایی برپا کند؟

یا این همه رحمت و غفران ویژه صرفاً برای خوشی و افزایش روزی و گذراندن هرچه بهتر و بیشتر عمر ما در دنیا دغدغه اش باشد! خیر، وقتی شیطان قسم خورد که همه انسان ها را با خود به جهنم خواهم برد خداوند سبحان پاسخ داد اما بندگانم را نمی توانی!

یک دنیا حرف است بین انسان و انسانیت، آدم و آدمیت، اگر انسان به شرف بندگی نائل نشود انسان نمایی بیش نیست، هموساپینسی است باورژن جدید؛

در نتیجه این همه تلاش و ترغیب به پاک شدن و آماده شدن برای شب زنده داری قدر برای این است که زمان نزول اجلال روح القدس به همراهی فرشتگان نزد حجت خدا از رحمت و اسعه او یا همان درب باطنش بهره ببریم و بندهای باشیم تا نگاهمان کنند، تا انتخابمان کنند، تا از ما ناامید نشده و به کارمان گیرند، تا لیاقت خدمت به دین خدا را پیدا کنیم و بتوانیم سنگی باشیم در دستان حجت زمان خویش.

می توانند عامل سعادت شوند یا عامل شقاوت.

سخن پایانی

درب های آسمان و ملکوت در شب قدر بیش از هر زمان دیگری به روی بندگان گشوده است تا برگزیده شوند و در شب ظلمانی حکومت طواغیت بدرخشند، همان طور که اهل بیت (علیهم السلام) درخشیدند، اما این درخشش و برگزیده شدن به توشه و بهره خود از آنچه کسب کردند برمی گردد. شاید فحوای کلام را بشود از گفته پولس قدیس بهتر دریافت کرد.

نامه پولس قدیس به قرن تیان ۳ (آیات ۱۷ و ۱۸):

«پروردگار، روح است و هرجا روح پروردگار باشد آنجا آزادی است. و همه ما که با چهره بی حجاب، جلال خداوند را چنان که در آینه ای می نگریم، به صورت همان تصویر، از جلالی به جلالی فزون تر دگرگون می شویم؛ چنان که این، از پروردگار روح است.»

انسان به همان مقداری که این روح در او تجلی کرده باشد، از آن روح بازتاب می کند؛ و این همان مفهومی است که پولس می خواهد بیان کند که کمال انسان، به اندازه مقدار بازتابیدن این روح است تا آنجا که انسان صورتی برای آن شود. نهایت بازتاب روح القدس در کالبد زمینی تان را برایتان آرزو مندم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

منابع:

- ۱- دخان، ۳ و ۴.
- ۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
- ۳- سید احمد الحسن، تفسیر سوره فاتحه، ص ۱۷ و ۱۸.
- ۴- فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۳۶.
- ۵- اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۴۵.
- ۶-



۷-



- ۸- مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸-۱۹.
- ۹- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵ از تفسیر فرات کوفی.
- ۱۰- ویکی پدیا.
- ۱۱-



- ۱۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۵۸، ح ۸.
- ۱۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸.
- ۱۴- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۶.
- ۱۵- همان، ص ۳۴۴.
- ۱۶- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵.
- ۱۷- مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۵.
- ۱۸- سید احمد الحسن، پاسخ های روشن گرانه، ج ۶، سؤال ۵۲۹.
- ۱۹- سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۴، سؤال ۱۳۷.
- ۲۰- سید بن طاوس حلی، فلاح السائلین، ص ۱۷۳.
- ۲۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۹۷.
- ۲۲- سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۴۵.
- ۲۳- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، محقق، مصحح، رسولی محلاتی، هاشم، ج ۱، ص ۴۳، تهران، المطبعة العلمیة، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
- ۲۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.



سجده‌ای برای نفس

درنگی کوتاه در معنای حقیقی سجده‌گزاری

مقدمه

وقتی به نزدیکان، دوستان و اطرافیانم نگاه می‌کنم آنان را سردرگم در صحرای مادیات می‌بینم؛ گویی دنیا بت بزرگی است در مقابلشان که برایش سر به سجده گذاشته و روز و شب در امرش حیران شده و تمام هم و غمشان تأمین نیازهای تن است. برخی هم می‌گویند «نمی‌دانیم چرا هرچه می‌دویم نمی‌رسیم، دو الی سه شیف‌ت کار می‌کنیم اما هنوز هشت‌مان گرو نه‌مان است.» از طرفی نیازهای اولیه زندگی حواس مردم را به خود پرت کرده، از طرف دیگر حکام کشورها عرصه را تا جایی بر مردم تنگ کرده و تورم و گرانی را بر سرشان آوار کرده‌اند که مردم حیران و سرگردان جز فکر کردن به لقمه نانی از بهر معاش به چیز دیگری فکر نمی‌کنند.



کرد و از درگاه خدا و بهشتش و عوالم ملکوتی اش رانده شد. آری او سجده گزار بود، اما سجده بر نفس خویش از سر هوس.

سجده حقیقی که باری تعالی از او خواسته بود، سجده بر خلیفه اش آدم بود، اما او حسد ورزید، قیاس کرد و با آگاهی کامل از دستور خداوند تمرد کرد. او به خوبی می دانست سجده بر آدم فقط سجده ای ظاهری نیست، بلکه به معنای تسلیم او امر خلیفه الهی شدن است. او به درستی می دانست این سجده بر نوری است از صلب آدم علیه السلام، نور امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام. [۲]

در داستان ابلیس حقایق نهفته است برای اهل بصیرت:

- عبادت بدون ولایت خلفای الهی ثمره ای جز آتش و عذاب ندارد.

- ابلیس، طاووس ملائک از سجده بر آدم علیه السلام سر باز زد و خداوند او را از بهشت خود راند، آیا با همین گناه فرد دیگری مستحق بهشت خواهد شد؟ [۳]

- ابلیس مکلف بود بر آدم علیه السلام سجده کند و امتحانش با او بود و این امتحان بر مکلفان تکرار می شود تا ایمان مردمان محک بخورد تا مشخص شود چه کسی دروغ گوست و چه کسی در ایمانش صادق است. خداوند بین خود و بندگانش واسطه هایی قرار داد تا در هر زمانی چراغ راهی باشند بر خفتگان خاموش در دنیا، تا روشن کنند مسیر پر بلا و فتنه ها، تا بر دوش کشند رنج جانکاهی که جز آنان کسی را یارای تحملش نیست!

ابلیس که مطرود شد، اما می بینیم حتی برای معترضین به خلیفه الهی (آدم) - یعنی فرشتگان - نیز از جانب خدا در آسمان ششم ضراح خلق شد تا تجلی اش بیت المعمور در آسمان چهارم شود و ملائک عذر تقصیر آورند در پیشگاه الهی و طواف کنند بر آن تا سببی شود برای آمرزش آنان. [۴]

سخن پایانی

حقیقت قبله و سجده و عبادات چیزی ورای ظاهر آن است. نماز و روزه ای که تو را به شناخت حجت خدا در زمان خودت نرساند جز خستگی عبادت بر تن عایدی برایت نخواهد داشت - هرکس امام زمان خود را نشناسد،

نه نمی گویم نباید برد رنج
برد باید رنج اما بهر گنج
لیک گنج ما پس از عمری تلاش
لقمه نانی بوده از بهر معاش

از سوی دیگر ابلیس و سربازانش در این دوره حساس آخرالزمانی در پی طعمه بیشتر لهله زده و مردم را یکی پس از دیگری از صراط مستقیم به قعر جهنم پرتاب می کنند. رسانه های غربی نرم و آهسته در لباس دوست در خانه های مردم راه یافته و ته مانده اعتقاداتشان را نیز به یغما بردند تاجایی که افراد از ادای اعمال واجبی همچون نماز و روزه سر باز می زنند؛ اعمالی که در سال های پیش ذره ای در ادایش تردید نداشتند، ولی اکنون سرفرازانه می گویند «ما اشتباه کردیم و شما هم که روزه می گیرید نادانید و سلامت خود را به خطر می اندازید... آخرتی وجود ندارد و هرچه هست همین جاست و...». شک ندارم شما هم با این گونه سخنان از جانب بسیاری از افراد این زمان مواجه شده اید. اگر روزگاری روزه گرفتن و رو به سوی خدا کردن فضیلت بود، امروز ۱۸۰ درجه برعکس شده و حتی در نزد افراد اعتباری هم ندارد و روزه داران در پستوی خانه هایشان سجده گزار خدایی هستند که همه حقیقت است و جز او حقیقتی نیست. مردم در این خصوص به دسته های متعددی تقسیم شده اند: دسته ای نماز و روزه و اعمال عبادی را به کناری انداخته و فقط می گویند «دین من انسانیت است» - این ها کسانی اند که پیش تر ظاهراً مسلمان بودند - دسته دیگر افرادی که اعمال عبادی شان را ترک نکرده و گمانشان بر این است که همین اعمال ظاهری نجات بخش آنان از گمراهی زمانه است و... .

اما آیا در حقیقت اعمال ظاهری ما مجوزی است برای ورود به بهشت؟

آیا همین که سر به سجده بگذاریم، یعنی سجده گزار حقیقی هستیم؟ پس چرا در قرآن خداوند متعال می فرماید بر بسیاری از سجده گزاران عذاب محقق شده است؟ [۱] نه اندکی، که بسیاری!!

سجده ای از سر هوس

ابلیس برای خدا سجده گزار بود و عبادتی داشت درخور، تاجایی که در ارتقاییش از اجنه بودن به مقام فرشته بودن و آن هم طاووس ملائک نائل شد، اما در لحظه ای سقوط

به مرگ جاهلیت خواهد مرد- چراکه اصل و اساس دین و عباداتش حول محور مردی است که خدا او را تنصیب کرده و همان طور که فرشتگانش را بر سجده بر او امر کرد، بندگان را نیز به شناخت آنان و پیروی از ایشان دستور داد. کسانی که خود آنان را نام برده و برایشان دلایلی قرار داده جهت تمایزشان از سایر مدعیان دروغین و سارقان دین؛ کسانی که بر آنان نص شده و بر دیگران خیر. اگر می خواهی سجده گزار حقیقی بر خدا باشی حجت زمانت را بشناس، با او همراه شو و دستت را از دستان ابلیس و جنودش خارج کن؛ چراکه اگر دستت در دستان خلیفه خدا نباشد بی شک در دستان ابلیس است.

وصی و فرستاده امام مهدی (عج)، احمد ذکر شده در نص -وصیت بازدارنده از گمراهی پیامبر (ص)- حامل پرچم «البيعة لله» سال هاست دعوت خویش را مظلومانه به گوش مردم رسانده است.

تو در کجای تاریخ ایستاده ای؟ آیا برای ندای غریبانه «هل من ناصر ینصرنی» اش یار می شوی؟ آیا در پیشگاهش سجده گزار حقیقی می شوی؟ آیا خود را می رهایی از آتشی که راه گریزی از آن نخواهد بود؟

منابع:

۱- (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) (آیا نمی بینی هرکه در آسمان ها و هرکه در زمین است، و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم، خدا را سجده می کنند؟ و بر بسیاری عذاب محقق شده است، و هرکه را خدا خوار سازد هیچ کرامت بخشی نخواهد داشت؛ زیرا خداوند هرچه بخواهد همان می کند). (حج، ۱۸)

۲- ر.ک: سید احمد الحسن، متشابهات، سؤال ۸۷.

۳- (أَلَا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا) (تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا، و رساندن رسالات اوست و هرکس از خداوند و فرستاده او سرپیچی کند، قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند) (جن، ۲۳).

۴- سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۳، سؤال ۸۷.



عبادت بی حاصل

«هیچ خیری در فراوانی نماز و روزه و عبادت نیست: اگر تو را به سمت انصاف و ملاحظه با دیگران - هرچه با تو کرده باشند - سوق ندهد؛ حتی با دشمنانت... اگر این عبادات دیواری در برابر حرام‌های خداوند و حرام‌های دیگران [محارم] و ناموسشان برای تو نکشد، اگر در برابر دروغ گفتن در تو احساس نفرت ایجاد نکند؛ بهتان و دروغ بستن که جای خود را دارد، اگر [نماز و روزه و عبادت] تو را از غیبت کردن و سخن چینی و جدال و بحث بی‌ثمر ممانعت نکند... اگر تو را به خدا نزدیک نکند و درب‌های ملکوت را به رویت باز نکند، اگر تو را آن‌گونه نکند که حداقل سعی کنی اخلاقت را خدایی کنی...» [۱] این اگرها بسیار است و فرد حکیم به اندکی بسنده می‌کند تا جان‌های خفته را بیدار نماید.

حتی ذره‌ای نبینم، و به‌طور خلاصه اگر همان‌گونه که وارد ماه رمضان شده‌ام از آن خارج شوم، بی‌تعارف بگویم بهره و عایدی از این ماه نصیب نشده است، تنها گرسنگی و تشنگی را بر خود حمل کرده و به حقیقتی رهنمون نشدم.

حقیقت این است عبادات ما اگر دیوار و سدی نشوند بر محارم الهی و ما را به آنچه خشنودی خدا در آن است سوق ندهد، پیشیزی نمی‌ارزد و بالا نمی‌رود که ملائک بر آن قیمتی بگذارند و عیارش را بسنجند همچون حج‌گزاری که فقط خود را در انجام اعمال خسته می‌کند اما آنچه به گوش ملائک می‌رسد جز کف زدن و صفر کشیدن نیست: **(وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَضَدِيَةً فُذُّقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ)** (و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛ پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید این عذاب را بچشید). [۲]

پس چه خوب است درنگ کنیم و ببیندیشیم و ببینیم اندوخته‌ای که از ماه رمضان در توشه اعمالمان ذخیره می‌شود، قیمتی دارد؟ یا فقط صفت گرسنه بر ما اطلاق می‌شود که جز زوزه شکم‌ها چیزی را بر ملائک هویدا نخواهد کرد. از خدا می‌خواهیم ما را در زمرة روزه‌داران حقیقی که بهترین بهره‌ها را از این ماه عظیم حاصل می‌کنند قرار دهد.

منابع:

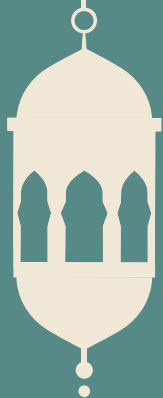
۱- سید احمد الحسن، صفحه فیس‌بوک، ۲۰۱۸م.



۲- انفال، ۳۵.

از شما چه پنهان این روزها ارتش ابلیس ویران‌کننده اعتقادات مردم شده و در دل و جان مردم رسوخ کرده با این قبیل نجواها که: مذهبی‌ها خود به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند «واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/ چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند» آنان مردم را به توبه وامی‌دارند «اما توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند؟» واقعیت این است که مسلمانی به پوشیدن لباس دین و حکم دادن بر مردم نیست. حقیقت عبادت طولانی کردن نماز و قرائت چند دور قرآن نیست. عبادتی که تو را خدایی نکند، شمایی ظاهری است که تنها طوقی برگردنت شده تا به ظاهر دل خوش کنی، اما همه حقیقت ماجرا این نیست.

شاید بهتر باشد در هنگامه این ماه مبارک به پایانش نگاهی افکند. منظورم این است افق دیدمان باید به نهایت روزه‌داری باشد. اگر در عصیانیت صبر حاصل از روزه به دادم نرسد، اگر برای ظلم به هم‌نوعم در هر جای جهان که می‌خواهد باشد - سیاه باشد یا سفید - قلبم به درد نیاید، اگر حجابی نشود بر خودخواهی‌های نفس و منیت، اگر مرا به ملکوت نزدیک نکند، اگر کینه و عداوت همراهم باشد، اگر به یاد خدا و اولیایش اشکم سرازیر نشود، اگر ذاکر و شاکر به‌سوی پروردگار نشتابم، اگر قرآن بخوانم و پرهیزکار نشوم، اگر توان اطعام فقیری داشتم و از کنارش عبور کردم، اگر اشک چشم یتیمی را دیدم و بی‌تفاوت گذر کردم، اگر ناموس همسایه را همچون ناموس خود ندیدم، اگر با لیخنه رضایتی برای رها کردن خویشتن دروغی بر زبان راندم، اگر قانع و لبریز از عطای خدا نشدم، اگر به‌هنگام تنگ‌دستی برق نیاز را در چشم نیازمند آبرومندی دیدم و چشم بستم، اگر دلم سرشار از یقین نشود، اگر مرا از غیبت و سخن‌چینی باز ندارد، اگر معلم مرا به گشودن درب‌های ملکوت به‌رویم سوق ندهد، اگر مرا خدایی نکند تا افلاک را در برابر وجود با عظمتش



فلسفهٔ روزه گرفتن

به قلم: نور دخت مهدوی

مقدمه

ماه رمضان، ماه رهییدن از خود و رهایی از نفس است. ماهی که در آن گام برداشتن در عوالم ملکوتی و رسیدن به ملاً اعلی هموارتر از همیشه پیش روی خلق گشوده است. ماهی که در آن خداوند درب‌های ملکوتش را بیش از پیش گشوده تا بندگان پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری با سرعتی مثال زدنی طی کنند و از عالم دنیاکنده و به عوالم ملکوتی ارتقا یابند. در این ماه بی‌نظیر بکوش تا بهترین خودت باشی تا جایی که وقتی از آن فارغ شدی و به پشت‌سرت نگاهی افکندی، رذایلی را که پیش از آن بر دوشت سنگینی می‌کرد در مسیری که گذشت دفن کرده باشی و دیگر حتی میلی در تو نباشد که به سمت آن رذایل بازگردی؛ این‌گونه می‌شود که تو روزه حقیقی را درک خواهی کرد و از جمله «چه بسیارند روزه‌دارانی که جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای از روزه حاصل نکرده‌اند» نخواهی بود.

اما این مسیر با عبادت ظاهری ثمربخش نخواهد شد. چه کنیم تا حقیقت روزه را درک کنیم؟ اصلاً فلسفه و فایدهٔ روزه گرفتن چیست؟ چرا باید عبادت کنیم و روزه بگیریم، آن هم یک ماه پیایی؟ همین‌که یک ماه گرسنگی و تشنگی تحمل کنیم، یعنی هدف خداوند در روزه محقق شده است؟!

اگر عمر دوصد نوحث ببخشند
تمام عمر منهای علی هیچ...

چرا روزه؟

پیش‌تر گفتیم فلسفه عبادات در این عالم جسمانی روی گردانی نفس از عالم ماده و توجهش به ملکوت و پروردگار است، توجه به حقیقتی که از آن آمده، نه ظلمتی همچون ماده که عدم است (یعنی حقیقتی ندارد) و برای به وجود آمدنش نیازمند افزای شدن صورت ملکوتی است؛ پس روزه عبادتی است در جهت تزکیه نفس. نفس چگونه پاک و طاهر می‌شود؟ آیا تنها با نخوردن و نیاشامیدن در ماه رمضان نفس تزکیه می‌شود؟ قطعاً خیر؛ چراکه نخوردن و نوشیدن در این ماه بخش ظاهری روزه است که اتفاقاً ضروری است اما کافی نیست.

بالاترین بُعد روزه، ذبح نفس در پیشگاه پروردگار است.

روزه‌دار وقتی تقوای الهی پیشه کند و نفس و هوای نفس خویش را بکشد (به اصلاح نفس خویش مشغول شود) آن زمان است که از غفلت خود خارج خواهد شد و خویشتن را ذلیل خواهد دید، خواهان برتری جویی بر دیگران نخواهد شد و به امور برادران و خواهران مسلمان خود اهتمام خواهد ورزید؛ همان‌طور که سید احمدالحسن می‌گوید: «در روزه، حکمت تدبّر و تفکر در احوال مسلمین است. در روزه، جهاد با نفس، شیطان، هوا و هوس و زینت دنیاست. در روزه، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا وجود دارد. در قلب مؤمن، رحمت برای مؤمنین و شدت و غلظت بر کافرین و منافقین وجود دارد. از اینکه بهره روزه شما صرفاً گرسنگی و تشنگی باشد، پرهیز کنید.» [۲]

«در روزه جهاد با نفس، شیطان، هوا و هوس و زینت دنیاست»، جهاد با نفس که از آن با عنوان جهاد اکبر نیز یاد می‌شود در بالاترین مراتبش کشتن نفس در پیشگاه خداست؛ اینکه همه چیز در راستای خشنودی خداوند باشد و چشم‌پوشی کنی از آنچه رضایت نفس تو در آن است.

اما می‌خواهم به مطلب دیگری در قرآن کریم بپردازم. آیه ۱۸۳ سوره بقره در قرآن را آیه «صوم» می‌نامند (یا آیه‌ها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الذِّینِ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید

پیش از هر چیز باید بدانیم اگر نماز می‌خوانیم، اگر به حج می‌رویم، اگر زکات می‌دهیم، اگر روزه می‌گیریم و... باید بدانیم فایده‌اش چیست؟ سید احمدالحسن درباره چرایی عبادات در این عالم جسمانی می‌گوید:

«نفس تو در این دنیا مشغول رسیدگی به بدن خویش است، لذا این عبادات برای آن است که نفس را از مشغول شدن به بدن بازداشته و توجه او را به خدا مشغول نماید. اگر به عبادات اسلام بنگری بر حسب ظاهر چنین مطلبی را خواهی یافت: نخور، ننوش، شهوات را ترک کن! این، عبادت روزه است و به روشنی گویای آن است که این عبادت در پی بازداشتن نفس از مشغول شدن به بدن است؛ دیگر عبادات نیز همین‌گونه است. به حج نگاه کن و به نماز! محتوای همه آنها دو چیز است: قطع ارتباط با این عالم و روی آوردن به عالم دیگر؛ به ذکر خدا پرداختن و به او مشغول شدن.» [۱]

بنابراین کاری که انجام بدهی ولی معنایش را ندانی و چیزی از آن نفهمی، هیچ ارزشی ندارد.

آنچه مبرهن است آدمی در انتخاب بین «من یا او» هر لحظه در امتحانی است که جز با مرگ او پایانی ندارد، اینکه به خداوند تقرب بجوید یا تنها خود و هوای نفسش همه آمال و آرزوهایش باشد! عالم جسمانی تنیده در حجاب‌های ظلمانی است و نفسی که در این دنیا مدیریت جسم را بر عهده دارد، اگر در پی دنیا و زینت و تمایلاتش برود از ملکوت و پروردگارش غفلت ورزیده و در ظلمات سقوط خواهد کرد، ولی اگر با این عبادات که خداوند از طریق فرستادگان خود بندگان را با آنان آشنا کرده انس بگیرد به‌طور قطع و با توجه به وسعش و آنچه در پیشگاه خداوند عطا می‌کند گام‌هایش پله‌پله عوالم ملکوتی را یکی پس از دیگری در می‌نوردد و حتی به جایگاهی می‌رسد که هیچ ملک مقربی را یارای رسیدن به آن مقام نیست.

بماند که عبادت بی ولایت محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) حتی از سقف خانه فرد هم بالاتر نخواهد رفت؛ چراکه آنان طریق راه در ظلمات این عالم جسمانی‌اند که تنها با آنان خدا و طریق مستقیمش شناخته می‌شود و عبادت ارتباط مستقیمی با ولایت آنان (علیهم‌السلام) دارد.

«عبادت بی‌تولای علی هیچ
نواى عشق بی‌نای علی هیچ

انکار می‌کنند، از تقوای خود باخبر می‌شود و این همان رؤیای بشارت‌دهنده‌ای است که از آیات پیشین دریافتیم.

بنابر این کسی که بشارت‌دهنده‌هایی نبیند بر اینکه بر صراط مستقیم گام برمی‌دارد و برای او نبینند، در زمره متقین نیست و حتی طبق این آیه، جزو روزه‌داران هم محسوب نمی‌شود، و چه بسیارند روزه‌دارانی که از روزه جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای نمی‌برند...» [۵]

سخن پایانی

روزه عبادتی است که نفس را از مشغول شدن به این بدن جسمانی باز می‌دارد و عاملی است برای ارتقای به عوالم ملکوتی، عاملی است برای تقوای پیشگی تا فرد کلمات خدا را از طریق مبشرات (رؤیای صالحه) بشنود و اهل ملکوت شود تا از این طریق در زمره کسانی قرار نگیرد که فقط گرسنگی و تشنگی نصیبش شود.

حقیقتی که خوب است به آن توجه کنیم این است که: «انسان با غذا می‌میرد» مشغول شدن به غذا و شهوات عالم جسمانی روح را از ارتقا باز می‌دارد و به تدریج مرگ روح فرامی‌رسد تا جایی که نامی از فرد در سجل حیات ثبت نخواهد شد. اما روزه تلاشی است برای خارج کردن فرد از غفلت و ماندن در عالم جسمانی، و عبادتی است در جهت پرواز روحش به حقیقتی که از آنجا آمده است تا جایی که ندای پروردگار را در همه چیز و با همه چیز بشنود. روزه گام بلندی است در جهت تقوای پیشگی و سیر در ملکوت.

از خداوند می‌خواهیم روزه را پناهگاه محکمی برای ارواحمان قرار دهد تا به واسطه آن در ملکوتش سیر کنیم.

منابع:

- ۱- سید احمد الحسن، در محضر عبد صالح، ج ۱، مبحث «عمل در عالم ذر».
- ۲- سید احمد الحسن، سرگردانی یا مسیر به سوی خدا، مبحث «روزه»، ص ۹۱-۹۵.
- ۳- یونس، ۶۲-۶۴.
- ۴- کلینی، کافی، ج ۸، ص ۹۰، رؤیایها و حجت برای اهل آن زمان.
- ۵- سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۴، سؤال ۱۳۴.

روزه داشتن بر شما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود تا پرهیزکار شوید).

نکاتی که از این آیه وحی دریافت می‌شود بسیار قابل تأمل است: روزه عبادتی واجب است، بر امت‌های دین‌دار پیش از اسلام نیز مقرر شده بوده و عبادتی است در راستای پرهیزکاری؛ یعنی روزه بر شما واجب شده به این امید که پرهیزکار شوید.

در ورای پرهیزکاری و تقوا که ثمره روزه است چه چیزی نهفته است؟ (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) [۳] (آگاه باشید که بر اولیای خدا بیمی نیست و غمگین نمی‌شوند * کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزکاری می‌کردند * بشارت است ایشان را در دنیا و آخرت. کلمات خدا را تبدیلی نیست. این است کامیابی بزرگ).

فرد متقی چگونه به تقوای خود پی می‌برد؟ از چه طریقی؟ آیه قرآنی می‌گوید از کلمات خدا دریافت می‌کند، کلماتی که بر تقوای پیشگان بشارتی است در دنیا و آخرت و در آن تبدیلی نیست. این کلمات خدا باگشوده شدن درب‌های ملکوت بر روزه‌داران و رؤیای صالحه‌ای است که مؤمن متقی می‌بیند و بشارت‌دهنده اوست بر اینکه در طریق مستقیم گام برمی‌دارد.

در حدیث از جابر از ابو جعفر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این سخن خداوند عزوجل (لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (بشارت است ایشان را در زندگانی این دنیا) سؤال کرد. فرمود: «این رؤیای حسنه است که مؤمن می‌بیند و با آن به او در دنیایش بشارت داده می‌شود.» [۴]

سید احمد الحسن می‌گوید:

«... (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه داشتن بر شما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود تا پرهیزکار شوید)؛ یعنی روزه داشتن بر شما مقرر شده است به این امید که پرهیزکار شوید. فرد با تقوا از سوی خدای سبحان با میزان الهی حق که همان «کلمات خدا و آیات خدا» ست و ظالمان این‌ها را

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت (ع)!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.